

چکیده

قرآن کریم کلام و کتاب خدا در کنار امتیاز بارز و برجسته وحیانی بودن از مشخصه های معناداری و فهم پذیری نیز برخوردار است. «علوم قرآن» دانش پیش نیاز فهم قرآن است. این علم مورد توجه عالمان قرآن پژوه در دوره های تاریخی بوده است. وحیانیت قرآن، نزول تدریجی، کتابت، تاریخ قرآن، ترتیب آیات، طبقات آیات، محکمت، متشابهات، ساختار سوره ها، دانش تفسیر، اسباب نزول، زبان شناسی قرآن، تأویل و نسخ از موضوعات و مسائل شاخص علوم قرآن به شمار می روند.

کلیدواژه ها: قرآن، تاریخ قرآن، علوم قرآن.

مقدمه

کلام و کتاب از آغاز پیدایش تاکنون شاهد تحولات گسترده، تغییرات شگرف و اعجاب آمیز بوده است. این تحولات، ابعاد مختلف عرصه های سخن و نوشتار را شامل می شود، با وجود این تغییرات گسترده، به روشنی می توان مؤلفه های همواره ثابت را از ابتدا تا به امروز در این دو پدیده مشاهده نمود. اولین مؤلفه که در همه دوره های تاریخی کلام و کتاب ثابت و پایدار بوده است، رابطه نمایانگری اثر با پدید آورنده اثر است. پدیده های علمی بیشتر از دیگر پدیده ها آیین و نمای پدید آورندگان خود را باز می تابند، آثار علمی، جلوه های روشن و آشکار ابعاد، مشخصه ها و صفات آفرینندگان خویش هستند.

از دیگر مؤلفه های استوار در تاریخ نوشتار و گفتار، وجود اصل انگیزه و هدف است. بدون تردید پدید آوردن هر اثر فکری، علمی با توجه به فرایند پیدایش آن، از اراده مسبوق به انگیزه و هدف نشأت گرفته است. باور پذیر و معقول نیست که اثر علمی در قالب شفاهی یا کتبی تصادفی و با فقدان انگیزه صورت پذیرد. البته اگر چه در تقسیمات الفاظ، لفظ مهمل نیز قرار دارد، وجود لفظ مهمل در خارج، اصل انگیزه را در کلام نفی نمی کند، چه این که اصولاً انسان به لحاظ برخورداری از عقل و ادراک، رفتار و عملی که از انگیزه و غرض منبعت نباشد، ندارد، آنچه هست، تفاوت در مراتب انگیزه و غرض است و لهو و لعب در برخی رفتار انسان امری نسبی است. 1 تردیدی نیست که کلام و کتاب خداوند از سنخ کتاب و کلام بشری نیست؛ اما با آن شباهت ها و اشتراکاتی دارد. برجسته ترین اشتراک کلام خداوند با کلام بشر، معناداری و مفهوم بودن است. البته وجه مشترک فقط اصل معناداری است و از نظر منشأ صدور، مراتب و لایه های معنایی، کلام خدا با کلام بشری قابل سنجش نیست، دریافت معنا، فهم کلام و کتاب حکیم، خبیر، علیم و بصیر پیش نیازهای علمی دارد.

علوم قرآن از اولین گرایش های علمی عرصه قرآن شناسی است که در محیط های فکری و علمی، محور تحقیقات و تدوین آثار پرشمار قرار گرفته است. با وجود گنجینه پر برگ و بار آثار تدوین یافته بر محور علوم قرآن، ظرفیت

علوم قرآن

به مجموعه مساله هایی از علوم مستقل که در جهت فهم قرآن به کار می روند و با این رویکرد شناخته و جستجو می شوند علوم قرآن گفته می شود. قرار گرفتن مساله های یاد شده در فرآیند شناخت قرآن ملاک ورود آنها به حوزه علوم قرآن است.

اصطلاح علوم قرآن از دو واژه «علوم» و «قرآن» ترکیب یافته است. از آنجا که شناخت معنایی دو واژه به شناخت کامل «علوم قرآن» یاری می رساند، نخست به تعریف آنها اشاره می شود:

«علوم» جمع «علم» مصدر به معنای فهم، شناخت و نیز به معنای قطع و یقین آمده است. 2 علم در فلسفه، به صورتی از اشیاء که در ذهن حاصل می شود گفته می شود³ و درکلام عبارت است از: صفتی که سبب می شود وجدان و دریافت در محل خود شود. 4

قرآن در لغت مصدر و به معنای خواندن است. در قرآن آمده است: *إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ؟* (قیامت: 17 و 18) 5 سپس این واژه از معنای مصدری آن خارج شد و اسم قرار گرفت برای کلام اعجاز آمیز خداوند که بر پیامبر نازل شده است. 6 سخن گفتن به شکلی که از انسان واقع می شود آنچه در ذهن دارد به وسیله صداها و آواها ترکیب یافته با قرار داد وضع الفاظ برای معانی از خداوند متعال صادر نمی شود. خدا جسم نیست، حنجره، دهان برای او متصور نیست تا نسبت کلام بدین گونه به او صحیح باشد. ساحت او منزّه است از جسم بودن و لوازم و تجهیزات جسمانی. چنانکه خود فرموده: *لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؟* (شوری: 11) اما در مورد کلام، در یک نوبت آیه می گوید: *وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا؟* (نساء: 164) 7 *مَنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ. . .؟* (بقره: 253) 8 و در یک نوبت دیگر می گوید: *وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا؟* (شوری: 51) 9 آیه ، معنای معهود کلام را در میان مردم از خداوند نفی می کند اما حقیقت کلام و سخن، حقیقت معنای تکلم را درباره خدای تعالی اثبات می نماید، ویژگی ها و آثار سخن بر حقیقت کلام مترتب است. خداوند مقصود خود را به پیامبر خود می رساند و می فهماند، این همان حقیقت کلام و تکلم است. یعنی، تفهیم مراد و مطالب مورد نظر و القای آن در ذهن مخاطب.

10

قرآن بدون تردید کلام خداوندگار است؛ اما نسبت کلام به خدا، با نسبت کلام به بشر از نظر ماهیت تفاوت دارد. کلام خداوند با کلام بشری مشترک لفظی است، زیرا کلام در مورد انسان گاهی به معنای مصدری به کار می رود و از آن «سخن گفتن، تکلم» اراده می شود، گاهی به معنای حاصل مصدر است، یعنی گفتار و سخن. در هر دو صورت کلام یا نفسی است، یا لفظی، کلام لفظی به معنای مصدری آن است که با کمک تارهای صوتی و ترکیبی از آواها، انسان حروف و کلماتی را با زبان ادا کند و سخن بگوید. کلام لفظی به معنای حاصل مصدر، همان حروف و کلمات مصوّتی هستند که ادا می شوند. الفاظ، کلمه ها و جمله های ترکیبی قطع نظر از معنای آنها کلام لفظی هستند. کلام نفسی به معنای مصدری، زمانی صورت می پذیرد که انسان در نفس خود به نیروی تکلم باطنی و بدون استفاده از اعضاء و جوارح سخن بگوید. در این حالت انسان صورت های ذهنی و مفاهیم اشیاء را در ذهن خود با صورت و نظامی خاص به نظم می آورد، طوری که اگر آنها را با یاری گرفتن و کمک اعضاء گویایی صورت بدهد و بیان کند به کلام لفظی تبدیل می شوند. 11 همانند آماده شدن وکیل قبل از حضور در جلسات دفاع از متهم که لایحه دفاعیه خود را در ذهن مرور نموده، الفاظ و کلمات ویژه ای با بار معنایی حقوقی خاص بارها به

ذهن می سپارد تا آنها را در جلسه دادگاه به کار برد.

کلام نفسی به معنای حاصل مصدر همان صورت های ذهنی و مفاهیم کلمات اند که مطابق با وضع و ترتیب خارجی و لفظی در ذهن منظم شده اند. در برخی آیات قرآن به هر دو نوع کلام نفسی اشاره دارد؟ . . . قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبَيِّدْهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا. . . 12؟
تعریف قرآن، عبارت است از: «مجموعه الفاظی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله از ابتداء سوره فاتحه تا انتهای سوره ناس نازل شده است» این تعریف، الفاظ قرآن، نزول بر پیامبر صلی الله علیه و آله و صورت، مصحف و کتاب بودن قرآن را مورد توجه قرار داده است. در تعریف دیگری آمده است: «کلام اعجاز آمیز نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله که در مصاحف نوشته شده و به تواتر نقل شده و تلاوت آن عبادت است».
در این تعریف معجزه بودن قرآن، نزول از طرف خدا، دریافت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و اعتبار نسبت کلام به وحی، مشخصه های اصلی ذکر شده است، مشخصه هایی که اعجاز، وحیانیت، سلامت، اتقان و اعتبار کتاب را هماهنگ و پیوسته برای قرآن بر می شمارد. برای قرآن نام های پرشماری ذکر شده است. «قرآن»، «فرقان»، «ذکر»، «سبع المثانی»، «کتاب» و «نور» مشهورترین آنها هستند. 13 برخی بیش از نود اسم برای قرآن نام برده اند. 14 بررسی کامل و گسترده نام های قرآن، مجال مستقلی می طلبد.

پیدایش علوم قرآن

برخی پیدایش علوم قرآن را به عنوان دانشی تعریف شده در قرن پنجم می دانند. 15 کتاب البرهان فی علوم القرآن از علی بن ابراهیم سعید مشهور به حوفی (430ق) در این دور؟ تاریخی نوشته شده است. 16 زرکشی (745/794ق) در البرهان می نویسد: در علوم قرآن به معنای دانشی تدوین یافته اثر فراگیر و جامعی قبل از قرن سوم نمی شناسم. 17 زرکانی (1367ق) پیدایش اولین تألیفات در شاخه های علوم قرآن را به قرن سوم می رساند و می نویسد: از اولین مؤلفان انواع علوم قرآن، علی بن مدینی (232ق) است که کتابی در اسباب نزول نوشت و ابو عبید قاسم بن سلام (224ق) رساله ای در ناسخ و منسوخ نگاشت. 18 البته نگاهی به آثار مکتوب پیشین نشان می دهد در شاخه های علوم قرآن قبل از رساله های یاد شده آثار دیگری نیز ثبت شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

یحیی بن یعمر (89 یا 90 ق) شاگرد ابوالاسود دوئلی، کتابی در قراءت نوشته است. 19 ابوالاسود دانش آموخته امام علی علیه السلام است، او نقطه گذاری آیه ها و اصول قواعد علم نحو را در مکتب ایشان آموخت. 20 ابن انباری (577 ق) می نویسد: بنیان گذار اولیه دانش نحو علی بن ابی طالب علیه السلام است و قفطی (646 ق) می گوید: به هنگام تحصیل در مصر یادداشت هایی در ابواب علم نحو را دیده است که با اتفاق آن را آموخته های ابوالاسود دوئلی از علی بن ابی طالب علیه السلام می دانستند. مورخان زبان و ادبیات عرب به اتفاق، ابوالاسود (69 ق) را بنیان گذار رسم (خط) و شکل (نگارش) و نقطه گذاری قرآن می دانند که دانش اعراب قرآن از مسائل اصلی علوم قرآن با آن شروع شده است. 21 از عبدالله بن عامر یحصبی (118ق) رساله ای در اختلاف مصاحف شام، حجاز، عراق ثبت شده است، 22 حسن بن ابوالحسن بصری (110 ق) کتابی در عدد آیه های قرآن نگاشت. 23 ابان بن تغلب (141ق) صحابی نامدار امام علی بن الحسین علیه السلام و حمزة بن حبیب زیات کوفی (156 ق) از اصحاب امام صادق علیه السلام کتابی در قراءت دارند. 24
مقاتل بن سلیمان (150 ق) کتابی به نام وجوه القرآن نگاشت، این اثر اکنون در دسترس است و به نام های

الوجوه و النظائر فی القرآن، الأشباه و النظائر به طبع رسیده است. آثار یاد شده، نشانگر وجود و توجه علمی به مسائل و شاخه های علوم قرآن از قرن های اولیه است. رویکرد علمی به مباحث و شاخه های علوم قرآن به دوران نزول پیوند خورده است.

پیشینه علوم قرآن

رویکرد علمی به فهم کلام و کتاب حکیم از آغاز در کنار نگرش پذیرش محض، فضا و محیط های فکری، فرهنگی مسلمانان را در برگرفت. پدیداری مدارس تفسیری و گرایش های فکری، علمی به شناخت و فهم کامل و نظام مند کلام خدا، پیامد نگرش علمی، تمدنی به کتاب خداوند است. آثار این رویکرد گنجینه علمی ارزشمندی است که در حوزه های علوم قرآن و تفسیر به جا مانده است. نگارش کتاب البرهان فی علوم القرآن علی بن ابراهیم بن سعید، مشهور به حوفی (430) در سی جلد 25 از اولین پیامدهای نگرش علمی به قرآن است.

جلال الدین سیوطی عالم نامدار حوزه های علوم ادب عربی، علوم قرآن و تفسیر می نویسد: در دوران تحصیل از اینکه عالمان پیشین در زمینه علوم قرآن کتابی تدوین نکرده اند شگفت زده شدم، در حالی که نسبت به علم حدیث این آثار تألیف شده بود، پس از مدتی کتابی از استاد «علامه کافیجی» (873 ق) دیدم که مشتمل بر دو بخش بود: بخش اول در معنای تفسیر، تأویل قرآن، سوره و آیه. بخش دوم در شرایط تفسیر قرآن. مدتی بعد عالم بزرگ «علم الدین بلقینی» مرا با کتاب «جلال الدین بلقینی» به نام مواقع العلوم من مواقع النجوم آشنا کرد. 26 این کتاب چنان سیوطی را شیفته خود نمود که به تمجید از او پرداخت و آن را تألیفی لطیف و با نظم و ترتیب معرفی می کند. 27 سیوطی اولین اثر خود در زمینه علوم قرآن را با نام التحبیر فی علوم التفسیر با افزودن بر ابواب و مطالب کتاب «جلال الدین بلقینی» و نظمی نوین تدوین می نماید. 28 او در مقدمه «التحبیر فی علم التفسیر» می نویسد: کسی پیش از کتاب مواقع العلوم فی مواقع النجوم به رتبه علمی کتاب او نرسید. مساله های - دانش شناخت قرآن- را به پنجاه و چند باب تقسیم نمود، برای من باب ها- مساله هایی - در علوم تفسیر قرآن آشکار شد که در قبل روشن نشده بود و برخی مسائل را نیز توضیحات کامل داده ام 29. «بدرالدین زرکشی» (745 795 ق) قبل از سیوطی کتابی در ابواب علوم قرآنی با نام البرهان فی علوم القرآن نگاشت. در این کتاب چهل و هفت باب از ابواب این علم، با نظمی خاص تدوین شده است. فراگیری ابعاد موضوعات کتاب، سیوطی را تحت تأثیر قرار داد موجب گردید اثر جدیدی بنگارد. اراده و همت بلند او در اثر دوم آشکار است، این اثر از آثار نامدار در این عرصه، مشهور به الاتقان فی علوم القرآن است. در این کتاب هشتاد نوع از علوم قرآن بیان شده است، در حالی که زرکشی تنها چهل و هفت باب را در کتاب خود بررسی کرده بود. . . . 30 الاتقان سیوطی را بنابر نظر خود او می توان ویرایشی نوین از البرهان با افزوده های علمی و ساماندهی مطالب بنابه رأی او دانست، چنانکه او می نویسد: هنگامی که با کتاب البرهان فی علوم القرآن آشنا شدم شادمانی و سرورم افزایش یافت، خداوند را بسیار شکر گزاردم. . . . تصمیم جدی گرفتم . . . کتابی تألیف کنم، نظام باب های آن را از نظام موجود در کتاب البرهان مناسب تر، برخی ابواب را در برخی ادغام، برخی مطالب اجمال را تفصیل و مطالبی را بر آن بیفزایم. 31

در زمینه پیشینه این دانش با نگاهی به عناصر اصلی تاریخ تدوین آثار مکتوب عرصه علوم قرآن در نظر داشتن دو نکته راهگشا است:

نکته نخست: مساله های این دانش چنان که به اشارت گذشت، ریشه در دوران نزول و عصر نبوی صلی الله علیه

و آله دارد. با نزول آیه، آیه قرآن و ثبت آن توسط اصحاب خاص، حفظ و ضبط آیه ها در سینه های مومنان، مسأله های اولیه این دانش تولد یافت و بستر تاریخی علوم قرآن گسترده شد. با بروز تفاوت اندک در نسخه نوشته های قرآن توسط اشخاص و آشکار شدن تفاوت در قرائات، مسأله های علوم قرآن دارای مرحله جدیدی شده است. وجود آثار پرشمار تألیف شده در قرائت و عدد آیه ها شاهد این فراز از تاریخ علوم قرآن است. در اینجا به اولین مسأله علوم قرآن که در دوران صدر اسلام تولد یافته است اشاره می شود: اولین مسأله تولد یافته تاریخ علوم قرآن کتابت وحی است، این مسئله از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است. برخی نویسندگان نامدار و شناخته شده قرآن عبارتند از: زید بن ثابت، اُبی بن کعب، علی بن ابی طالب، خالد بن ولید. اولین فردی که در مکه آیه ها را به هنگام نزول نوشته است، علی بن ابی طالب علیه السلام است، این کار در طول حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داشت. ایشان اصرار داشته اند که نزول هیچ آیه ای از علی بن ابی طالب علیه السلام غایب نماند و ایشان در جریان نزول تمام آیه ها قرار گیرند، لذا بدین جهت چنانچه به هنگام نزول آیه ای، علی بن ابی طالب علیه السلام غائب بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله برخی کاتبان دیگر را احضار می نمود تا آیه ثبت شود، به مجرد حاضر شدن علی بن ابی طالب علیه السلام آیه را برای ایشان تلاوت می نمود تا ایشان نیز آیه را ثبت کنند، این ویژگی موجب گردید نسخه نوشته های هیچ یک از نویسندگان اولیه قرآن جامعیت نسخه نوشته علی علیه السلام را نداشته باشد.

سلیم بن قیس هلالی می گوید: با علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد کوفه نشسته بودم در حالی که مردم گرداگرد او را قرار گرفته بودند، ایشان گفت: مردم! از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید، به خدا سوگند هیچ آیه ای نازل نشد مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بر من خواند و تأویل آن را آموخت. «ابن کوّاء» که در مجلس حاضر بود گفت: - ای علی! - آیا آیه ای در هنگام غایب بودن تو نازل نشد؟ علی علیه السلام گفت: چرا، - اما- آیه ای که در غایب بودن من نازل می شد به هنگام بازگشت من گفته می شد، پیامبر می فرمود: ای علی بعد از رفتن تو خداوند این آیه را نازل کرد و آیه بر من خوانده می شد و تأویل آن را نیز می آموختم. 32

در مدینه اولین کسی که نوشتن قرآن را برعهده داشت، اُبی بن کعب صحابی نامدار بود، ابن سعد در طبقات می گوید: اُبی بن کعب در دوران جاهلیت قبل از اسلام نویسنده بود، در میان اعراب، نویسندگان و افرادی که قدرت نویسندگی داشته باشند اندک بودند، بعد از اسلام اُبی بن کعب از کاتبان وحی شد. 33

نکته دوم، علوم قرآن دانش قرآن محوری است که در تاریخ علمی خود، مراحل تکاملی را طی کرده است. تدوین آثار پیوسته و مشهور با افزایش ابواب و مطالب در اثر جدید نسبت به اثر پیشین در این حوزه نشان روشنی از دوره های تکاملی این دانش به شمار می رود، به نمونه هایی از این آثار اشاره می شود:

1. البیان فی انواع القرآن اثر گرانسنگ فقیه متکلم نام آشنا و ارجمند دانش و فرهنگ اسلامی محمد بن محمد بن النعمان «شیخ مفید» (413ق) است. 34

2. فنون الافنان ابن جوزی (597ق) نه نوع از انواع علوم قرآن را شامل می شود. 35

3. المرشد الوجیز فیما یتعلق بالقرآن العزیز اثر ابوشامد (665ق) چهار باب از ابواب علوم قرآن را طرح و بحث کرده است.

4. البرهان فی علوم القرآن بدرالدین زرکشی (745-794 ق) این کتاب در چهل و هفت باب از ابواب علوم القرآن تدوین شده است. اثری که در گسترده گری به ابواب و مساله های علوم قرآن از اولین آثار نامدار و برجسته به شمار می رود. اگر چه ابواب بحث های طرح شده در این کتاب بعدها از سوی عالمان علوم قرآن نظام نوینی پیدا

نمود؛ اما فضیلت سبقت و تقدم را در گسترده نگری به علوم قرآن از آن خود ساخت.

5. مواقع العلوم من مواقع النجوم کتاب شش محور از محورها و مباحث علوم قرآن را در پنجاه نوع طبقه بندی و طرح نموده است. مبحث اسباب، اوقات و مکان های نزول را به دوازده نوع ذکر کرده و بحث سند قرآن را در شش نوع، مباحث الفاظ قرآن را هفت نوع و مبحث معانی متعلق به الفاظ قرآن در پنج نوع و معانی متعلق به احکام القرآن را در چهارده نوع نوشته است. 36

6. التخبیر فی علوم التفسیر جلال الدین سیوطی. چنانکه گذشت این کتاب متأثر از کتاب بلقینی است؛ ولی ده هایی بر آن دارد که در واقع گامی به پیش به شمار می رود.

7. الاتقان فی علوم القرآن جلال الدین سیوطی که شامل طرح و بررسی هشتاد باب از ابواب علوم قرآن است. گستردگی و تنوع مسائل مطرح شده در الاتقان نشانگر جریان حرکت تکاملی دانش علوم قرآن است. با وجود فراز و نشیب های فراوان، جریان پیوند مسائل این دانش تا عصر نبوی به روشنی مشاهده می شود علوم قرآن در سیر علمی خویش به دانشی همواره در حال تکامل و گستردگی تبدیل شده است.

قلمرو علوم قرآن

برخی قلمرو علوم قرآن را گسترده و فراگیر می دانند تا آنجا که نوشته اند: علوم قرآن 77450 نوع است، انواع علمی که نتیجه ترکیب مسائل و تعداد کلمات قرآن با مباحث ظاهر و باطن و آغاز و پایان آنهاست؛ زیرا هر کلمه ای از قرآن ظاهری دارد و باطنی، پایانی دارد و آغازی و این تنها در مفردات قرآن است که اگر جملات قرآن و روابط میان آنها را نیز در نظر آوریم، علوم قرآن غیر شمارش خواهد شد و خداوند بدان آگاه است.

سیوطی با نقل این نظر از ابن عربی در کتاب قانون التأویل قائل به توسعه در علوم قرآن شده و دانش هایی همانند: علم هیئت، هندسه و طب را نیز از علوم قرآن به شمار آورده است. 37 از این منظر علوم قرآن از اصطلاح اولیه خود خارج گردیده تعریف دیگری می طلبد. تعریف جدید، قلمرو انواع علوم قرآن را با در نظر گرفتن اهداف این دانش تعیین می کند. آنچه زمینه آشنایی و شناخت قرآن را فراهم می آورد در حوزه علوم قرآن قرار می گیرد.

جایگاه و مکانت علوم قرآن

مسأله هایی که عناصر و مواد علمی این علم به شمار می روند با غرض تفسیر و فهم متن وحیانی قرآن کریم وحدت موضوع پیدا کرده اند. این دانش طریقی راهبردی است که در جهت شناخت کلمات صادر شده از «عَلِيٍّ حَكِيمٍ»؟ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٍّ حَكِيمٌ؟ 38 به کار می رود، نگرش این دانش بر اساس تأسیس و تنقیح اصول، تدوین مبانی، ضوابط، تفسیر و فهم قرآن و آیه های آن شکل یافته است. با این رویکرد علوم قرآن، دانشی سرآمد دیگر دانش های معرفتی، دینی است، البته با توجه به ماهیت یاد شده، مکانت و منزلت علوم قرآن، رابطه ای از نوع رابطه مقدمه با ذی المقدمه است. ارزشمندی و حسن علوم مقدمه از منزلت علوم هدف تأثیر می پذیرد. هر چه علوم هدف ارجمند باشد علوم مقدماتی و زمینه های علمی آن از همان مراتب ارجمندی برخوردار می شود. رسیدن به هدف موجب می گردد از آن منزلت سهم و نصیب بردارد، نفس مقدمه بودن اقتضای حسن است. این اقتضا آنگاه به فعلیت می رسد که مقدمه ها توقفگاه نشود. مقدمه باید شرایطی ایجاد کند تا حرکت به سوی هدف، مطمئن و سریع انجام پذیرد. اگر مقدمه در مقام مقدمه بودن بماند و به ذی المقدمه دست نیابد در مقام مقتضی بودن متوقف می شود و نمی تواند به حسن و ارزش اصلی دست یابد. این مشخصه همه

مراحل آموزش، پژوهش، تألیف و تدوین آثار در علوم قرآن را شامل می شود، این مراحل نیز مکانت خود را از معرفت کلام ربوبی کسب می نماید.

بایستگی علوم قرآن

پیدایش و پیشینه علوم قرآن مورد اشاره قرار گرفت، در اینکه چرا باید دانشی مستقل قبل از ورود به حوزه تفسیر شکل بگیرد، تحقیقات و کاوش ها صورت پذیرد تا بر اساس آن اصول و قواعد در قالب تعریف شده «علوم قرآن» ارائه گردد، دغدغه هایی است که رهگذران مسأله ها و آثار این دانش را به خود مشغول داشته است و شگفت است دغدغه یاد شده در عرصه پر برگ و بار این دانش، با وجود نقش آفرینی کمرنگ جلوه کرده است. به سخن دیگر، دلیل یا دلایل بایسته بودن علوم قرآن کدام است؟

بایستگی علوم قرآن برای ورود به حوزه تفسیر از منظرهای مختلف قابل اثبات است:

بایستگی از منظر ماهیت کتاب حکیم

بایستگی از منظر تاریخی

بایستگی علوم قرآن در دوران معاصر

بایستگی از منظر ماهیت کتاب حکیم

نزول آیه ها به شیوه وحیانی از سوی خدای عزیز حکیم؟ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؟ 39 در مدت زمانی بیست و سه سال در شرایط و موقعیت های متفاوت اجتماعی و فرهنگی مسلمانان انجام پذیرفت. این کتاب در متن خود آیه های خویش را با صراحت به محکمت و متشابهات تقسیم می نماید: هُوَ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ؟ 40 این آیه از اصل بودن آیات محکمت نسبت به متشابهات، برخوردار آیه ها از تأویل و علم به تأویل سخن می گوید. قرآن با نزول به زبان فصیح و عربی؟ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ؟ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ؟ 41 بهره گیری از تمثیل را اصلی فراگیر در اسلوب بیانی خود برمی شمارد: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ؟ 42 اینگونه کتاب، شناختنی است و شناخت آن به آگاهی ها و دانستنی های پیشینی وابسته است، بدون علم به تاریخ نزول آیه ها، شناخت جامع حوادث پیرامونی نزول آیه ها، معنا و مدلول کامل و جامع اجزاء این کتاب، ناشناخته می ماند. در حوزه شناخت حقیقت آیات، تأویل و مسأله های پیرامونی آن با اشاره قرآن به وجود تأویل، گونا گونی تأویل و پیروی از آن نیز به اشارت او برهانی شده است. شناخت تأویل، حقیقت تأویل، محدوده و مرزهای تأویل، و در نهایت پیروی مطلوب از تأویل بدون تردید نیاز به دانایی پیشینی دارد. ورود به عرصه فهم قرآن بدون شناخت قبلی این گونه مسائل نه تنها فهم درست آیه ها را با دشواری روبرو می نماید، بلکه در برخی موارد مانع فهم درست و جامع می شود.

بایستگی از منظر تاریخی

سیر تاریخی تفسیر قرآن با دانش های پیشینی همراه بوده است، تفسیر قرآن از آغاز نزول متناسب با ماهیت آیه ها، مفاد و معنای جامع و کامل بوده است؛ زیرا در دوران پیامبر نزول آرام آیه، آیه با تفسیر نبوی همراه بود، پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر کامل آیه ها را بر اساس رسالت الهی به عهده داشت: وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؟ 43 تفسیر نبوی، تبیین آیه ها در فضای نزول و تشریح؟ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؟-

آنچه نازل شده - بوده است، امام صادق علیه السلام می فرماید: احکام نماز بر پیامبر نازل شد و قبل از تفکیک نمازهای سه رکعتی و چهاررکعتی، پیامبر موارد نازل شده را برای مسلمانان تفسیر می نمود. 44 این کلام، پیوستگی جریان تفسیر نبوی را به نزول آیه، آیه به روشنی اعلام می دارد. بعد از دوران نبوی، تفسیر قرآن از سوی صحابه ادامه یافت. تفسیر صحابه، شامل بیان مراد از عنوان ها، اصطلاحات و مفردات قرآن گردید. طبقه اول از مفسران را غیر از امام علی علیه السلام گروهی از صحابه همانند: ابن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن ابی و . . تشکیل می دهند. تفسیر در این دوران به حوزه ادبی آیات، موارد شأن نزول، بخش کمی از استدلال به آیه قرآن در برابر آیه دیگر محدود می شد. بخش اندکی از تفسیر صحابه نیز تفسیر نقلی است که در عرصه سرگذشت های انبیا و اقوام پیشین و معارف قرآن و مسائل کلامی همانند: مبدأ و معاد ارائه شده است. 45 با توجه به حضور صحابه در فضا و محیط نزول آیه ها، مسأله های پرشماری از مباحث علوم قرآن به علم حضوری برای آنان روشن بوده است.

تابعان بعد از صحابه طبقه گسترده ای در طبقات مفسران به شمار می روند، تابعان از مفسران همانند: مجاهد، ابی قتاده، ابی لیلی، الشیعی و السدی در واقع تداوم بخش جریان علمی تفسیر دوران صحابه هستند، تفسیر نقلی نیز در دوران تابعان گسترش یافت به نحوی که در جریان نقل روایات تفسیری در تفسیر تابعی برخی اسرائیلیات نیز در حوزه تفسیر وارد گردید. 46 آگاهی تابعان در زمینه مسایل علوم قرآن اگر چه همانند صحابه، به علم حضوری نبوده است؛ اما نزدیکی آنان به دوران نزول و مصاحبت علمی با صحابه، آنان را با موضوعات و مسأله های اصلی علوم قرآن آشنا نموده و تفسیر تابعین را بر اصول و ضوابط پیشینی فهم قرآن قرار می دهد.

بایستگی علوم قرآن در دوران معاصر

فهم قرآن در دوران صدر اسلام متناسب با فرهنگ عمومی آن دوران بوده است. فهم عرفی از مفاد و معنای آیه ها چنان با بساطت همراه بود که تلقی اولیه خود را بدون تردید بر قرآن تطبیق نمود. و به آن ترتیب اثر داده اند. در روایات آمده است بعد از نزول آیه: . . . کُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ؟ 47 عدی بن حاتم، به پیامبر گفت: من دو نخ سفید و سیاه کنار هم می گذارم تا با روشن شدن سفیدی از سیاهی، زمان صبح مشخص شود و به آنها نگاه می کنم؛ اما مشخص نمی شود، پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم کرد و فرمود: پسر حاتم! مراد آیه، آشکار شدن سفیدی صبح از سیاهی شب است که آغاز وقت روزه است. 48 با پایان گرفتن دوران نزول، دوران نوینی آغاز شد. دوران نوین از مشخصه های بیرونی و درونی متنوعی برخوردار است. از یکسو، پیامبر صلی الله علیه و آله مخاطب اول و دریافت کننده مستقیم وحی از دسترس دور است و نسخه نوشته های قرآن بر اساس قرائت های مختلف قاریان نامدار، شناخت و فهم آیه ها را نیازمند قوانین و ضوابط خاص نموده است، 49 از سوی دیگر گسترش حوزه جغرافیای اسلام و پیروزی های مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله موجب معاشرت و همزیستی مسلمانان با غیر مسلمانان شد. ارتباط و تعامل علمی مسلمانان با آنها، ورود اندیشه ها و مباحث کلامی ادیان و مذاهب غیر اسلامی، تغییرات فکری و علمی به همراه داشت و موجب آشکار شدن مسائل و موضوعات نوینی در ذهن و اندیشه مسلمانان گردید. با تغییر شرایط، فهم قرآن در میان مسلمانان وضعیت جدیدی پیدا نمود، پرسش از فهم آیه ها دیگر محدود به فهمیدن فلسفه هلال ماه نشد. 50

ورود به متن کتابی چند بُعدی بدون تاریخ شناسی، ساختارشناسی و زبان شناسی آن امکان پذیر نیست. شناخت

زبان، ادبیات و منطق کتاب آسمانی تا آنجا که پرده از مطالب ارائه شده در آن بردارد، بدون تردید پیوست به قواعد و ضوابطی است که قبل از ورود به حوزه تفسیر بایسته است شناخته شود. آنگاه که اسلوب بیانی قرآن در گرایش های متنوع، کشف و ترسیم شود، عموم پیام ها، ایده ها و هدایت های عملی و راهبردی قرآن به درستی فهمیده می شود. تفسیر آیه ها خود آموزه متن وحی است، ارجاع متشابهات به محکمت، علم به تأویل و قلمرو تأویل مسأله هایی است که روشن شدن آنها قبل از ورود به عرصه تفسیر آیات کتاب مجید هدایت گر تفسیر درست می گردد. تمامی این مسأله ها، سلسله حلقه های پیوسته علوم قرآن است که راهیابی به تفسیر جامع و فراگیر را فراهم می نماید.

پی نوشت ها :

1. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 9، ص 356.
2. راغب، مفردات، علم، ص 581.
3. جعفر سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ص 524.
4. همان، ص 524.
5. همانا فراهم آوردن و خواندن آن بر ما است پس چون آن را بخوانیم به زبان جبرئیل خواندندش را پیروی کن.
6. راغب، مفردات، قرأ، ص 668؛ جوهری، صحاح، قرأ، ج 1، ص 65. البته برخی قرآن را صفت بر وزن «فُعلان» دانسته که از «الْفَرْي» به معنای جمع مشتق شده است: زجاج، معانی القرآن و بعضی آن را مشتق از قراین جمع قرینه می دانند.
7. و خدا با موسی سخن گفت.
8. از ایشان شخصی بود که خدا با وی سخن گفت.
9. و هیچ آدمی را نرسد که خدای با او سخن بگوید مگر به وحی.
10. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 2، ص 315.
11. عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 17.
12. اما یوسف آن را در دل خویش پنهان داشت و بر آنها آشکار نساخت. (یوسف: 77) به هنگامی که برادران به یوسف افتراء سرقت زدند و گفتند: اگر «ابن یامین» دزدی کرده برادر مادری او نیز قبل از او دزدی کرده بود، یوسف این کلام را در نفس خود پنهان کرد و بر آنان آشکار نساخت، تنها به صورت کلی گفت: شما از نظر مقام و منزلت بدتر از آن هستید که وانمود می کنید طبرسی، مجمع البیان، ج 5، ص 255؛ زمخشری، کشاف، ج 3، ص 311؛ فخر رازی، ج 6، ص 490. پنهان نمودن کلام برادران؟ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ؟ که در نفس یوسف ماندگار شد و آشکار نگردید، کلام نفسی است با وجود دارا بودن ساختار و محتوای «کلام» اما صورت خارجی پیدا نکرد؛ ولی پاسخ یوسف به برادران که شما از نظر منزلت بدتر از آن هستید که وانمود می کنید؟ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا؟ کلام لفظی است.
13. محمد بن الحسن طوسی، تبیان، ج 1، ص 17-19؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 1، ص 82؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 1، ص 41؛ فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ج 2، ص 14.
14. شیخ طاهر جزایری، التبیان فی علوم القرآن، ص 40؛ عزیزی، ابوالمعالی، البرهان فی مشکلات القرآن، برای

اطلاع بیشتر از نام های قرآن رک: البرهان فی علوم القرآن زرکشی، ج 1، ص 157. نوع 15 معرفة اسمائه و اتستقاقاتها.

15. سعید حیدر حازم، علوم القرآن بین البرهان و الاتقان، ص 5.
16. عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 34.
17. محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 52.
18. عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 31 و 32.
19. محمد هادی معرفت، التمهید، ج 1، ص 7.
20. عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 30. برخی تدوین اصول قواعد علم نحو را تنها به او نسبت داده اند، رک: فی رحاب القرآن، ج 2، ص 10.
21. سعید حیدر حازم، علوم القرآن بین البرهان و الاتقان، ص 65.
22. بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج 1، ص 46.
23. محمد هادی معرفت، التمهید، ج 1، ص 7 و 8؛ زرکشی، البرهان، ج 1، ص 39.
24. همان.
25. عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 34.
26. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 19.
27. همان، ص 21.
28. همان، ص 21.
29. جلال الدین سیوطی، التخبیر فی علم التفسیر، ص 28.
30. همان، ص 24 و 29.
31. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج 1، ص 20.
32. محمد هادی معرفت، التمهید، ج 1، ص 129.
33. همان.
34. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج 3، ص 172.
35. بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان، ج 1، ص 33.
36. همان، ص 33.
37. زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج 1، ص 21؛ سیوطی، اتقان، ج 1، ص 356.
38. و آن در امروز (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استیلا است! (زخرف: 4)
39. (زمر: 1؛ جاثیه: 2؛ احقاف: 2)، فرو فرستادن این کتاب از سوی خداوند توانای بی همتا و دانای حکمت است.
40. (آل عمران: 7) او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن آیات «محکم» (صریح و روشن) است؛ که اساس این کتاب اند (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به این ها برطرف می شود، و قسمتی از آن، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح) مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود. ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد، اما آنها که در قلوبشان انحراف است به دنبال متشابهاتند، تا فتنه کنند (و مردم را گمراه سازند، و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند) در حالی که تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها) که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در

پرتوی علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

41. (شعراء: 194 و 195) بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی!؛ آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)

42. (اسراء: 89؛ كهف: 54) ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه) معارف در آن جمع است؛ اما بیشتر مردم (در برابر آنان)، از هر کاری (جز انکار، ابا داشتند!

43. (نحل: 44) - (از آنها)! بپرسید که از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین) آگاهند، و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم؛ تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.

44. قال الامام الصادق عليه السلام «ان رسول الله صلى الله عليه وآله نزلت عليه الصلوة و لم يسم ثلاثة و لا اربعا، حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسر لهم ذلك»؛ محمد هادی معرفت، التفسير و المفسرون، ج 1، ص 15؛ کافی، کلینی، ج 1، ص 286.

45. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص مقدمه 7.

46. همان، ص مقدمه 8.

47. (بقره: 187).

48. طبرسی، مجمع البیان، ج 2، ص 364؛ طبری، محمدبن جعفر، جامع البیان، ج 2، ص 178؛ جارالله زمخشری، کشاف، ج 1، ص 231؛ محمدبن یوسف غرناطی، بحرالمحیط، ج 2، ص 215 و 216؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر، ج 1، ص 192.

49. دریافت مسلمانان صدر اسلام از معنای قرآن همانند دریافت سخنان حکیمان از سوی حاضران در مجلس کلام است. حاضران به هنگام بیان کلمات حکیمانه، هماهنگ با شنیدن، معانی را نیز دریافت می نمایند، اما بعد از پایان مجلس سخن معمولاً به هنگام استدلال، نتیجه گیری از کلمات، اختلاف در برداشت رخ می دهد. و نیاز به بررسی کلام و تنظیم قواعد برای فهم درست و صحیح از کلمات پیدا می شود. فهم مسلمانان از آیه ها عموماً فهم بسیط متناسب با شرایط نزول بوده است، تفسیر نبوی محدود بوده از موارد محدودی از ابهام معنایی آیات در ذهن و زبان مسلمانان ثبت نشده است.

50. برخی سؤالات در دوران نزول قرآن شاهد سطح، میزان و ابعاد انتظارات مسلمانان از فهم دین بوده است. نمونه ای از سؤالات در متن قرآن طرح شده و به تناسب پاسخ گفته شده است: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؟* تو را از ماههای نو پرسند، بگو: آنها گاهنماهاست برای مردم و حج. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها درآیید، و لیکن نیکی [نیکی] آن کس است که پرهیزگاری کند و به خانه ها از درهای آنها درآیید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید. (بقره: 189)

? *يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْإِثْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؟* از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: آنچه از مال انفاق می کنید برای پدر و مادر و خویشان و یتیمان و نیازمندان درمانده و در راه ماندگان باشد و هر کار نیکی که کنید خدا به آن داناست. (بقره: 215)

(215) *يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؟* از تو می پرسند چه چیزها برایشان

حلال شده است، بگو: چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده است و آنچه از جانوران شکاری- سگان شکاری- که تعلیم داده اید در حالی که از آنچه خداوند به شما آموخته به آن سگان آموخته باشید- که شکار را بگیرند و خود نخورند-، پس، از شکاری که برای شما گرفته اند بخورید و نام خدا را [هنگام فرستادن حیوان] بر آن یاد کنید و از خدا پروا نمایید- برای بازی و سرگرمی شکار نکنید- که خدا زود حساب است . (مائده:4)

منابع

1. قرآن حکیم
2. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر، 1417 ق.
3. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت: المکتب الاسلامی للطباعة و النشر، 1384 ق.
4. ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر والتنویر، قاهره: مطبعه، 1384 ق.
5. ابو زهره، محمد، المعجزه الکبری، قاهره: دارالفکر العربی، [بی تا].
6. ابیاری، ابراهیم، الموسوعة القرآنیة، [بی جا]، موسسه سجل العرب، 1405 ق.
7. باقلانی، طیب ابوبکر، الانتصار للقرآن، دارالفتح، عمان، 1422 ق.
8. بری خورشید، عبدالله، القرآن و علوم فی مصر، مصر: دارالمعارف، [بی تا].
9. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، 1403 ق.
10. حازم، سعید، علوم القرآن بین البرهان و الاتقان، مدینه منوره: دارالزمان، 1420 ق.
11. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اعلمی، 1394 ق.
12. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالقلم، [بی تا]
13. راغب، حسین بن فضل، مفردات فی الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، 1412 ق.
14. زرقانی، محمد، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مصر: داراحیاء الکتب العربیه، 1980 م.
15. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه: 1410 ق.
16. زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، [بی تا]
17. سخاوی، علی بن محمد جمال، القراء و کمال الاقراء، تحقیق عبدالکریم زبیدی، بیروت: دارالبلاغه، 1413 ق.
18. سعیدی، محمد جواد، بحوث حول علوم القرآن، نجف: مطبعة الآداب، 1975 م.
19. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق: دارابن کثیر، 1404 ق.
20. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه نشر الاسلامی، 1393 ق.
21. طبرسی، ابی علی فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ اول، 1415 ق.
22. طبری، محمدبن جعفر، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، طبعه الثالثه، 1420 ق.
23. طوسی، ابوجعفر، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
24. طوسی، نصیر الدین، کشف المراد، قم: موسسه نشر الاسلامی، 1419 ق.
25. غرناطی، محمدبن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، دارالفکر: بیروت. 1414 ق.
26. فخر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) ، دارالکتب العلمیه، بیروت: الطبعة الاولى، 1411 ق.
27. قرعاوی، سلیمان بن صالح و الحسن محمد بن علی، البیان فی علوم القرآن، عربستان سعودی: مکتبة الظلال،

28. قطان، خليل، مباحث فى علم القرآن، بيروت: مؤسسه رساله، 1401ق.
29. محيسن، محمد سالم، فى رحاب القرآن، دارالجيل، بيروت: 1399ق.
30. مركز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عندالمفسرين، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، 1416ق.
31. معرفت، محمد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، قم: مؤسسه نشر الاسلامى، الطبعة الثانية، 1415ق.
- ____، التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الاسلاميه، 1418ق.